

سفر اروپائی مظفرالدین شاه و ره آورد هنری آن

محمدنبی سلیم^۱

دومان ریاضی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

هنگامی که برای نخستین بار، یکی از پادشاهان ایران، پای از مرزها فراتر گذاشته و به اروپا سفر کرد، گمان می رفت چونان اعزام محصلین یا سفرای ایرانی به فرنگ، این مسافرت نیز، موجد تحول و تجدد شود. از آن جا که فرنگ و فرنگی برای ایرانیان جاذبه خاصی داشت، دیدار حاکم مطلق العنان کشور از دستاوردهای اعجاب انگیز و توسعه آفرین تمدن غرب، می توانست منشاء اثر و نوگرایی شود. اما هر سه سفر شاهان چهارم و پنجم دودمان قاجار، به الگوبرداری سطحی از مدرنیسم کمک کرد و بس. در سفر اروپائی نخست مظفرالدین شاه قاجار، مهمانداران اتریشی برای او ترتیب مراسمی باشکوه و هنرمندانه را دادند که مختص شاه ایران بود و از درک اروپایی ها نسبت به علایق شرقی ها و تفنن طلبی دولتمردان ایرانی خبر می داد. در این مقاله، با استفاده از اسناد منتشر نشده از مراسم استقبال و پذیرائی هیات ایرانی، و به مدد روش تحلیل اسنادی، به تشریح جزئیات ناگفته از سفر فرنگستان مظفرالدین شاه پرداخته شده است. نتیجه تحقیق نشان می دهد که چیدمان آئینهای پذیرائی از دولتمردان قاجار، به گونه ای زیرکانه طراحی شده و آن جنبه از ذوق هنرپردازانه ایرانیان را تحریک نموده است که بر انتقال وجوه عینی هنر نمایش از غرب به ایران دوره معاصر اثر گذاشته است.

کلید واژه ها: مظفرالدین شاه، سفر اروپا، هنر نمایش، روابط فرهنگی

^۱ استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ تناتر، دانشگاه فلورانس، ایتالیا.

مقدمه

دوره زمامداری دودمان قاجار و مقارن با سده ۱۹ و ۲۰ م، یکی از ادوار مهم و اثربخش تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران است که از جهات مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است. به ویژه آشنائی ایرانیان با مظاهر تمدن مدرن و نمودهای فرهنگ و تمدن غرب سخت در خور اعتنا است. چرا که نه تنها بر انتقال برخی از دستاوردهای مادی و معنوی اروپا به ایران، بلکه به نوآوری و اقتباس خلاقانه و هدفمند از مظاهر و پدیده های مدرنیسم منجر شده است. بر اساس مستندات موجود یعنی سفرنامه های ایرانیان فرنگ رفته در سده ۱۹ و ۲۰، یکی از بیشترین مکان هایی که مورد بازدید سیاحان ایرانی بود، سالنهای تئاتر در کشورهای اروپا بوده است. علاقه رجال و گردشگران ایرانی به دیدار از سالنهای نمایش تا بدان حد بوده است که در سفرنامه ناصرالدین شاه، وی اعتراف می کند که علی رغم بیماری و سردرد، رفتن به تئاتر را ترجیح می داده است^۱ و یا حاج سیاح اقرار می کند که: «بالجمله، بدین منوال هر شب به تیاتوری سیاحت می نمودیم»^۲.

با این وجود به نظر می رسد که نگرش ایرانیان به هنر نمایش، بر اساس شناخت آن به عنوان یک برنامه تفریحی و تفریحی بوده است و جز به توصیف ظواهر یا محتوای داستانی تئاتر توجه ای نداشتند. اما از اوایل دهه ۱۲۸۰ ق / ۱۸۶۰ م، با همت شماری از ایرانیان ژرف اندیش و فعال، تلاش شد تا فرهنگ تئاتر غربی به دو شکل نظری و عملی در ایران پیاده شود و مردم را با معنا و هدف هنر نوین نمایش آشنا سازند. این امر با ترجمه بیسپه‌های نمایشی ادبائی چون: مولیر، بومارشه، دوما و .. به فارسی و سپس نگارش نخستین نمایشنامه های فارسی توسط افرادی چون: میرزا آقا تبریزی، علی خان ظهیرالدوله و غیره. حتی انتشار روزنامه تیاتر توسط میرزا رضا نائینی (۱۲۹۰-۱۳۵۰ ق) در ربیع الاول ۱۳۲۶ سرعت گرفت.

سفرهای فرنگستان

یکی از عللی که باعث به روز رسانی هنرهای دیرینه ایرانی من جمله نمایش و سپس ورود شکل غربی آن یعنی هنر تئاتر شد، سفر شاهان و درباریان به اروپا در دوره قاجار و مشاهده نزدیک در سالنهای نمایش بود. در واقع، مسافرتهاى سه نوبته ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) و مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴) به کشورهای اروپائی بود که چنین آشنائی را پدید آورد و ذوق هنری و نمایشی ایرانیان را تحریک نمود.

اولین دور از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ، در ربیع الاول ۱۲۹۰ / آوریل ۱۸۷۳ و در معیت یک هیات ۸۴ نفره به کشورهای روسیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا و اتریش اتفاق افتاد. به غیر از سیاحت آثار و عقد معاهدات سیاسی، وجه ارزنده تر این سفر، تماشای نمایش و موسیقی اپرا، رقص و آتش بازی بود. که بر ذهن و روان شاه قاجار تاثیر بسزائی گذاشت تا جائی که ذوق هنری او تحریک شد و به انجام امور هنری علاقمند. از همین نقطه بود که ناصرالدین شاه عکاس متولد شد. شاه که هنر عکاسی را فرا گرفته بود و به شدت به آن علاقه داشت، تلاش نمود تا در هر فرصتی از مناظر و اشخاص پیرامون تصویر برداری کند و حتی بر شاهزاده ملک قاسم میرزا (۱۳۰۰-۱۲۲۲) یعنی «نخستین ایرانی که دوربین عکاسی در اختیار داشت»^۳ پیشی بگیرد. بدین ترتیب، شاید بتوان گفت اولین نشانه های ورود هنر عکاسی و سپس سینما و رشد دیگر هنرهای بصری با سفر شاه قاجار نمود یافته و بالطبع تاثیر خود را در توسعه هنر نمایش و اختصاص زمان و مکان به آن گذاشت. چنان که ساخت اولین هتل سبک جدید، تاسیس باغ وحش و حتی «رواج گرفتن دامن تور رقاصه های باله به عنوان لباس زشتی برای خانمهای اندرون»^۴ از دستاوردهای این سفر تلقی می شود.

دومین سفر شاه که به سال ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸ از قفقازیه شروع و در امتداد مسیر روسیه به سمت اروپا تا لهستان، آلمان، اتریش و فرانسه ادامه یافت. سومین و آخرین سفر شاه در ۱۳۰۶ / ۱۸۸۹ به مقصد روسیه، فرانسه، انگلستان بلژیک، اتریش و عثمانی صورت گرفت و اگر نبود ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳، شاید سفر چهارمی هم رخ می داد! اما آن چه در این سفرها نمود دارد، ثبت مشاهدات شخص شاه از زبان یا به قلم خود اوست که ذوق زدگی و اعجاب شاه ایران از مشاهده ترقیات تمدن غرب و نحوه زندگانی و تفریحات غربیان را نشان می دهد. در این خاطرات سفر، روایتها صرفاً از نقطه نظر شخص او بوده و قسمتی از اتفاقات یا به درستی فهمیده نشده یا به صورت الکن روایت شده است.^۵ اما آن چه مسلم است، این که ناصرالدین شاه به عنوان اولین شاه ایران که قدم به سرزمین های مسیحی گذاشت، سهم زیادی در انتقال هنر تئاتر به کشور دارد. او که تا حدودی تحت تاثیر هنر ایرانی و متمایل به نقاشی و موسیقی بود، علاوه بر مجالست با هنرمندان، تلاش کرد تا بنایی برای اجرای یک هنر نمایشی بومی یعنی تعزیه خوانی در تهران ساخته شود. با دستور مستقیم شاه بود که ساخت بنای تکیه دولت در دهه ۱۲۸۰ ق، در ضلع شرقی کاخ گلستان و با یاری زبده ترین هنرمندان ساخته شد. تا جائی که تکیه آن قدر رونق گرفت که اجرای نمایشهای آئینی تعزیه از صورت نمایش

مناسبتی خارج شد و به هر بهانه ای اجرا می شد. در نتیجه، تکرار نمایشهای سیاه بازی و روحوضی در ایام شادمانی و اجرای تعزیه خوانی در سوگواری ها، چنان روحیه هنرجویانه ایرانیان را تحریک کرد که علاوه بر اجرای نمایش در تکایا و قهوه خانه ها، سنگ بنای محل اختصاصی نمایش با عنوان « تیارت علی بگ» در محله سنگلج تهران هم گذاشته شد.^۶ بر همین اساس، این که برخی نویسندگان معاصر، عواملی نظیر: اطلاعات سیاحان ایرانی از نمایشخانه های اروپا و ترجمه پیس های نویسندگان اروپائی را در آشنائی ایرانیان با هنر تئاتر موثر می دانند^۷ در مورد سفر شاهان و رجال سیاسی هم مصداق پیدا می کند.

اما این اتفاقات فرخنده به این جا ختم نشد و با به تخت نشستن مظفرالدین شاه، دوباره راه پدر در انجام سفرهای اکتشافی! و دیدار از جلوه های ظاهری و دلربای فرهنگ و تمدن غرب دنبال شد. مظفرالدین شاه قاجار علاوه بر تاج و تخت شاهی و علاقه به تفریح و خوش گذرانی، عشق سفر به فرنگ را هم از شاه شهید به ارث برده بود. لذا در طول دوران دهساله سلطنتش در فواصلی نزدیک به هم به اروپا مسافرت کرد، به بهانه استفاده از آبهای معدنی و شفابخش کوههای آلپ برای مداوای رماتیسم خود. آن هم در عصری که خزانه مملکت خالی تر از هر دوران دیگری بود و امور جاریه کشور از طریق استقراض از بانک های روس و انگلیس در قبال اعطای امتیازات فراوان انجام می شد. در هر حال، هرچند هزینه های گزاف چنین مسافرت هایی از محل استقراض از بیگانه و امانت گذاری منابع مالی کشور صورت گرفته^۸ و مستقیماً بر خزانه و جیب مردم فشار وارد می کرد، لیکن ره آوردهای سفر فرنگ چندان هم بی اهمیت نبود.

ظاهراً بنا به توصیه پزشکان انگلیسی معالج شاه^۹ اولین سفر مظفرالدین شاه، روز دوازدهم ذیحجه سال ۱۳۱۸ هـ ق/ ۲۳/ فروردین ۱۲۷۹/ ۱۲ آوریل ۱۹۰۰ م به کشورهای روسیه، اتریش، سوئیس، آلمان، بلژیک و فرانسه و چشمه های آبگرم آلپ صورت گرفت. این سفر، که هزینه آن به تعبیر ناظم الاسلام: «صرف ملاهی و ملاعب شد»^{۱۰} جز ایجاد نارضایتی و خروش مردم در غیاب شاه، هیچ ثمری نداشت. از وقایع مهم این سفر سوءقصد به جان مظفرالدین شاه در شهر پاریس بود، تروری که به دلیل ناتوانی ضارب، آسیبی به شاه وارد نکرد.

خوشبختانه، از گزارش این سفر دو کتاب در دست است: یکی سفرنامه مبارکه شاهنشاهی که ظاهراً از زبان شخص مظفرالدین شاه، اما در واقع به قلم یکی از منشیان دربار نگاشته شده و در سال

۱۳۲۱ ه.ق در بمبئی چاپ شده است و آن دیگری سفرنامه ظهیرالدوله است که توسط میرزا علی خان ظهیرالدوله (۱۲۸۱-۱۳۴۲) داماد ناصرالدین شاه نگاشته شده است. او که در این سفر جزء ملازمین مظفرالدین شاه بود، وقایع سفر را از پنجشنبه دوازدهم ذی حجه ۱۳۱۷ تا یکشنبه دوم شعبان ۱۳۱۸ ق. ثبت و ضبط کرده است.

در سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا که بلادرنگ و در ذیحجه سال ۱۳۱۹ / ۱۹۰۱ صورت گرفت، کشورهای روسیه و اروپایی از جمله: اتریش، پروس، بلژیک، فرانسه، ایتالیا و سرانجام مقصد نهائی انگلستان مورد بازدید شاه و هیات همراه قرار گرفتند. در این سفر، که به بهانه معالجه و مداوای رماتیسم شاه صورت گرفته بود، شاه بیمار اما خوشگذران به جز عکاسی از اماکن و مناظر مختلف، رفتن به مجالس رقص درباری، کنسرت، اپرا و دیگر نمایش‌ها، کار دیگری نداشت. او روزها را به نطق‌هایی گوش می‌کرد که در مراسم رسمی به افتخار حضورش خوانده می‌شد و شب‌ها را به بیان مشاهدات و خاطرات خود به منشی خویش فخرالملک می‌گذراند. خاطره‌هایی که هم در زمان حیات شاه و هم در سال ۱۳۶۱ شمسی در قالب کتاب منتشر شد^{۱۱} علاوه بر دریافت نشان بند جوراب Gardner توسط شخص شاه، که ماجرای دامنه داری داشت. ظاهراً اقلامی چون: ماشین بستنی ساز، دیگ برقی خوراک پزی، دوربین عکاسی، تلفن، ساعت طلا، کالسکه دونفره و تفنگ شکاری نیز از سوغاتی‌های این سفر بوده است. البته، شاید بتوان بر اساس برخی مدعیات و شواهد، پذیرفت که ایده مشروطیت نیز از دیگر سوغات‌های این سفر بوده است. چنان که مظفرالدین شاه در فرمانی به تاریخ هشتم شعبان ۱۳۲۴ گفته بود که از زمان سفرهای اول و دوم به فرنگ، نیت مشروطه خواهی داشته است.^{۱۲}

سفر سوم شاه قاجار در ربیع الثانی ۱۳۲۳ / خرداد ۱۲۸۴ / ژوئن ۱۹۰۵، در معیت جماعتی پنج‌نفره از خدم و حشم درباری به مقصد اتریش، فرانسه، بلژیک و روسیه صورت پذیرفت. سفری که با دریافت وام ۲۹۰ هزار لیره ای از بانک شاهی انگلیس و بدون هیچ دستاورد سیاسی مهمی طی صد روز شکل گرفت. تنها چند دستگاه تلفن، یک دوربین سینماتوگراف، یک دستگاه ضبط و پخش صدا و نیز دستگاهی برای نمایش تصاویر غیرمتحرک،^{۱۳} سوغات این سفر بود. که آن هم برای دربار تدارک دیده شده بود. گرچه اعلم الدوله ثقفی گزارش این سفر سوم را نگاشت، اما ظاهراً به دلیل وقوع انقلاب مشروطه و هراس از تشدید اعتراضات مردمی، دربار از چاپ آن خودداری کرد.

اوقات خوش سفر مظفرالدین شاه در اتریش

گرچه برنامه مسافرت به کشورهایی چون: روسیه، آلمان و انگلستان، عمدتاً با دیدارهای سیاسی و گفتگوهای دیپلماتیک و مراسم خشک و بی روحی چون سان دیدن از رژه ارتش و بازدید از کارخانه ها همراه بود، اما برنامه های سفر در کشورهایی چون اتریش و فرانسه از تفنن و جذابیت‌های بیشتری برخوردار بود و اوقات خوشی را در سالنهای تئاتر و موسیقی برای هیات ایرانی ایجاد می کرد. به ویژه که مظفرالدین شاه نیز همانند پدر تاجدارش، علاقه ای وافر به موسیقی و هنرهای نمایشی داشت و از مراسم رائج استقبال و پذیرائی از مهمانان خارجی و فرمانروایان، با برنامه های شاد و مفرح موزیکال لذت وافر می برد. گرچه یک بار اعتراف کرده بود که به باله بیشتر علاقه دارد تا به اپرا.^{۱۴}

به هر حال، در جریان سفر مظفرالدین شاه به اتریش و به ویژه اقامتش در دو شهر وین و بوداپست، آئین پذیرائی از شاه ایران با ویژگی های خاصی و قابل توجهی همراه بود که در این جا و بر پایه اسناد رسمی دولت اتریش به صورت جزئی و مستند بدان می پردازیم:

- وین: ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۰

ساعت ۴:۴۵: ۵ روز پنجشنبه ۲۵ جمادی الاول ۱۳۱۸ هـ.ق، پنجمین شاه دودمان قاجار به همراه هیات همراه و با استقبال بسیار گرم دولت اتریش وارد ایستگاه راه آهن شهر وین شد. شهر وین تختگاه امپراتوری اتریش-مجارستان، نخستین مقصد اروپائی شاه، بعد از سفر به روسیه بود و مسئولین دولت اتریش، برای هرچه بهتر شدن دوره اقامت و لذت بردن شاه ایران، برنامه های متنوعی را تدارک دیده بودند. از جمله بردن هیات ایرانی به تئاتر پاره Parè، که در آن نوعی نمایش بی کلام اجرا میشدو غالباً، حرکت و رقص و موسیقی عناصر اصلی این نوع نمایش بودند.

به هر حال، شاه بعد از خروج از ایستگاه راه آهن وین، با استقبال رسمی رجال سیاسی و شخص رئیس پلیس وین به سمت هتل محل اقامتش به نام هوف بورگ مشایعت شد. استقبال از شاه ایران به حدی رسمی و باشکوه بود که به دستور امپراتور اتریش از ایستگاه قطار مرکزی وین تا هتل محل اقامت، سان نظامی در دو طرف خیابان تدارک دیده شده بود. یک سان نظامی به صورت نمایشی و هماهنگ که کل مسیر را پوشش می داد. شب بیستم را شاه ایران در هتل استراحت می کند تا آماده مراسم و برنامه های خاص روز بیست و یکم شود.

نکته قابل تامل این که بنا به رسم و سنت همیشگی شهر موسیقی و هنر یعنی وین، اجرای موسیقی جزء عناصر جدا نشدنی مراسم های رسمی بود و با توجه به اشراف مهمانداران اتریشی به فرهنگ و زبان شرقی، در صدد برآمده بودند تا هرگونه برنامه مفرحی و هنری که برای شاه و اطرافیان در نظر گرفته شده، به نحوی باشد که در حد حوصله جمعی ایرانی ها و قابل فهم باشد.

- وین: ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۰: روز جمعه، شاه و ملازمان بعد از استراحت و انجام پاره ای امور، برای شرکت در مراسم شام آماده شدند. مراسمی که به تعبیر شاه: «الحق.. بسیار عالی مزین و باشکوهی بود.»^{۱۵} طبق برنامه، مهمانی شام گالا در ساخ شامبرون و در معیت شخص امپراتور فرانس ژوزف دوم (۱۸۴۸-۱۹۱۶) و هیات های سیاسی همراه، حدود ساعت ۵ برگزار می شد و قرار بود بعد از شام، سران بلندی پایه اتریش، پادشاه ایران مشایعت نمایند تا در تئاتر پاره به تماشای موسیقی و نمایش بنشینند. نکته مهم آن بود که امپراتور اتریش برای ادای احترامات فائقه نسبت به شاه ایران و هیات همراه، نمایش پاره یا برنامه رقص و آواز توامان با موسیقی و نمایش را تدارک دیده بودند، تا ضمن جذاب کردن برنامه، تماشای مراسم برای هیات ایرانی دلچسب و خوشایند جلوه کند. اما مهمتر آن که در سفرنامه مظفرالدین شاه از این مراسم جنبی هیچ گزارشی داده نشده است و تنها می توان به استناد اسناد دولتی اتریش از آن آگاهی یافت.

در ضیافت شام که به میزبانی امپراتور برگزار شد، به غیر از سران و سیاسیون دولت اتریش، رجال سیاسی دولت قاجار حضور داشتند. البته از میان ۲۵ نفر رجال و مسئولین سیاسی و خدماتی ملازم مظفرالدین شاه، نظیر: امین السلطان، حکیم الملک، ظهیرالملک، موثق الدوله، مفخم الدوله، مشیرالملک، و چند وزیر دیگر و نیز افرادی چون: صنیع السلطنه عکاسباشی، ناصر همایون رئیس موزیکان خاصه، ندیم السلطان مترجم باشی و شماری دیگر، تنها ۱۶ نفر در این مراسم حاضر بودند.

بعد از صرف شام، هیات ایرانی در کاخ شمبرون از اجرای نمایش و موسیقی برنامه باله لذت بردند. آن چه برای شاه و اطرافیان در تئاتر پاره تدارک دیده شده بود، با فکر و تدبیر قبلی و بر پایه شناخت مهمانداران از گروه ایرانی و سلیقه شرقی آنها بود. به همین منظور با نگاهی به برنامه تئاتر پاره می توان فهمید که عنصر حرکت یعنی رقص. باله. حرکات نمایشی و. در اکثر این برنامه ها دیده می شود. به خصوص مطابق سند شماره ۵ می توان فهمید که باله یا همان رقص در قسمت اعظم نمایشهای تئاتر پاره گنجانده شده است.

نکته مهم و قابل تامل آن است که اجرای چنین برنامه های هنری، نه تنها بر ذهن و روان شاه قاجار که بر تعدادی از ملازمین فرهیخته همراه او نیز اثرگذار و نتیجه بخش بود. در میان مهمانان ایرانی مراسم گالا و یا نمایشهایی که در تئاتر پاره انجام شد، شخص ظهیرالدوله نیز حضور داشت. همان شخصیتی که علاقه خاصی به نمایش و صدا البته تعزیه داشت و در اجراهای تعزیه در تکیه دولت و دیگر تکایا، اکثراً از سیاسیون غربی برای تماشای تعزیه دعوت می کرد. حتی ادعا شده که او نویسنده پیس هائی بود که در منزل وی با عنوان انجمن اخوت نمایش داده می شد.^{۱۶}

شخصیت برجسته دیگر، مرتضی قلی خان صنیع الدوله (۱۲۷۳-۱۳۲۹) بود. دانش آموخته دارالفنون که خود مدتها در اروپا زندگی می کرد و به دلیل آشناییش با زبانهای اروپایی چون انگلیسی و فرانسوی، در پیدائی و گسترش هنر ترجمه در دوره قاجار نقش ایفاء کرده است. هم چنین احمد صنیع السلطنه مدیر عکاسخانه دارالفنون نیز جزء همراهان بود. کسی که در سفر دوم شاه به فرنگ، پسرش میرزا ابراهیم خان عکاس باشی را نیز همراه خویش و در بین هیات همراه جای داد و این پدر با چاپ سفرنامه شاه و آن پسر با تهیه عکسهای متعدد از مناطق مورد بازدید، تاثیر زیادی بر جریان هنری دوره قاجار گذاشتند.^{۱۷}

-وین: ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۰: در باره روز شنبه ۲۲ سپتامبر و برنامه هیات ایرانی، گزارش سفرنامه مبارکه حاکی از آن است که شاه قاجار بعد از تماشای قورخانه وین و صرف ناهار در سفارتخانه ایران در آن شهر، در ساعت ۷ بعدازظهر به ضیافت شام ولیعهد اتریش دعوت بود و نیم ساعت بعد، به همراه امپراتور به تماشای اپرا نشست. اپرایی که: «بازی عقل و جهل بود...واقعا اپرایی وین را نمی توان گفت از جاهای دیگر پست تر است، بلکه بپاره جهات مزیت دارد.»^{۱۸}

اما در ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۲۳ سپتامبر، مظفرالدین شاه با هیات همراه به منطقه ائی سرسبز از حومه شهر وین رفت تا به شکار بپردازد. مراسم شکار خسته کننده بود و طبعاً هیات ایرانی باید نیمه روز را در هتل به استراحت می گذراند. اما برنامه تفریحی بعد از ساعت شش بعد از ظهر و طبق برنامه تنظیم شده قبلی برای صرف شام بود که شاه ایران مهمان امپراتور اتریش و جمعی از سیاسیون وین بود. سپس، در ساعت ۷ آتش بازی شروع شد. مراسمی بسیار قابل توجه و پر ابهت برای ایرانیان. به ویژه زمانی که مسحور صدا و نورپردازی شده و از تماشای رنگین شدن پهنه آسمان شگفت زده می شدند. مراسم در یکی زیباترین قسمتهای کاخ سلطنتی شمبرون واقع بر روی تپه و در پشت ساختمان

بسیار زیبا و مجلل گلوریت (Gloritte) برگزار می شد و تمامی مردانی که در مراسم حضور داشتند بایستی لباس رسمی با پاپیون می داشتند.

آتش بازی با یک نور سفید بسیار غلیظ در ساعت هفت آغاز شد و پانزده دقیقه بعد، رنگ سفید کم کم محو شد و جایش را به چندین و چند رنگ داد، گویی آسمان نقاشی شده بود. تا سرانجام، در ساعت هفت و بیست و پنج دقیقه آتش بازی بالای تپه به اوج خود رسید. نکته جالب آن که بر مبنای گزارش سند شماره شش، مکان دقیق افراد اجرا کننده و محل استقرار کالسکه ها و نام تمامی ترقه ها به صورت دقیق ثبت شده بود.

البته، پیشتر، یعنی در اگوست ۱۹۰۰ و در جریان همین سفر نخست مظفرالدین شاه، مراسم موسیقی و آتش بازی در کاخ الیزه پاریس در فرانسه انجام شده بود که با ابتکار مهمانداران فرانسوی و خشنودی شاه همراه شده بود و حتی بعد از استماع موسیقی در نمایشگاه پاریس، شاه باذوق و سرخوش قاجاری دستور به خرید ساز چنگ داد.^{۱۹}

- بوداپست: ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۰: مقصد بعدی بوداپست پایتخت مجارستان بود. کشوری که به اتریش ملحق شده و امپراتوری اتریش - مجارستان را تشکیل می داد. مظفرالدین شاه ساعت ۱۰: ۱۱ دقیقه صبح روز دوشنبه ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۰ با هیات همراه و به وسیله قطار از وین وارد بوداپست شد و پس از مراسم استقبال توسط آرشیدوک ژوزف اگوست، فرمانروای مجارستان و همراهان او، به محل اقامت، هتل هونگاریا Hungaria رفت.

در مورد برنامه پذیرائی این روز از مسافرت، دو روایت متفاوت از دو سند مختلف وجود دارد: در اسناد شماره ۷ و ۸ که توسط میزبان اروپائی و چندین روز قبل از آمدن شاه، به زبان فرانسوی نوشته شده، دست کم چهار مورد وجود دارد که کمی شک برانگیز است. این که آیا تمامی این برنامه ها بعد از ورود شاه اتفاق می افتد یا خیر؟

۱. همه افعال در زمان آینده بیان شده است و مشخص می دارد که برنامه ریزی قبل از آمدن گروه ایرانی و از طرف مسئولان اجرایی در بوداپست برای ورود شاه در نظر گرفته شده، از قرار ملاقاتها تا بستن خیابانها برای تردد هیات ایرانی.

۲. وجود ضربدرهای قرمز و آبی در سند، این احتمال را که بعضی از این برنامه ها حذف شده یا به کل تغییر کرده اند را، قوت می بخشد.

۳. سند شماره ۸ نشان می دهد شاه در همان روز به دیدن یک اپرا با دستمایه و محتوای شرقی رفته، اپرائی که از مدتها قبل نامه نگاری های آن انجام شده بود.

۴. در صفحه آخر سند شماره ۸ نوشته ای با مداد وجود دارد که معلوم است بعدها نوشته شده است. در این نوشته، اشاره مختصری به برنامه سه روزه شاه شده و جز به غذا خوردن، گردش در فضای سبز و نمایش شبانگاه به چیز دیگری اشاره نشده است.

با وجود چنین تناقضی، این احتمال هست که همه اتفاقات این سندها رخ داده باشد.

- بوداپست: ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۰

آن چه در این روز بر شاه ایران گذشت، چندان در اسناد اتریشی انعکاسی ندارد. مگر نامه ای (سند شماره ۹) که بین نخست وزیر مجارستان و مسئول امور اجرای پذیرائی از شاه در بوداپست رد و بدل شده است و حکایت از آن دارد که شاه ایران در ساعت ۷:۳۰ عصر روز ۲۵ سپتامبر در خانه اپرای بوداپست حاضر شده و از لژ مرکزی، به نظاره یک باله با مضمون کاملاً شرقی به نام زلیخا می نشیند. نکته مهم و جالب توجه هم، جابجایی ساعت اجرا به خاطر حضور شاه بود. در سند مذکور آمده که اعلیحضرت شاه در بالکن بزرگ روبروی صحنه نشسته بودند.

اما بر طبق گزارش مندرج در سفرنامه مبارکه، گردش سواره در خیابانها و معبر بوداپست، برنامه روزانه شاه بود. اما در شامگاه طبق روال همیشه، بعد از صرف شام، استماع موسیقی مجاری و تماشای تئاتر و رقص دختران، شاه را متلذذ کرد، به قسمی که چنین نوشت: «هر قدر بخواهیم تعریف بساط رقص و وصف تماشای آنجا را بنویسیم، از حیز نگارش و توصیف خارج است.»^{۲۰}

- بوداپست: ۲۶ سپتامبر ۱۹۰۰

در ساعت ۹ صبح روز ۲۶ سپتامبر / ۱ جمادی الاخر شاه از هتل خارج شده و به بازدید از کارخانه اسلحه سازی بوداپست رفت. در این بازدید وزیر تجارت مجارستان او را همراهی می کرد. سپس، در ساعت ۱۱:۳۰ به موزه ملی و کلکسیون هنر بوداپست رفته و با استقبال وزیر فرهنگ و مدیر موزه ملی

روبرو شد. در ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از گردشی در جزیره مارگریت، شاه به هتل بازگشت. طبق مستندات، تمام مسیرهای عبوری پادشاه ایران، برای مردم عادی مسدود بوده و امکان عبور و مرور وجود نداشته است.

هم چنین بر اساس گزارش اسناد، حرکت به سمت میدان فرانتس ژوزف واقع در خیابان آکادمیا برای دیدن ساختمان جدید پارلمان مجارستان و دیدار با شماری از سیاسیون و من جمله وزیر تجارت مجارستان از برنامه های دیگر مظفرالدین شاه بود. در این جا استقبال بسیار رسمی و درخوری از شاه شد. به نحوی که مدیر اجرایی فرمانروای مجارستان شخصا به پیشواز شاه ایران آمده و او را در ادامه مسیرش همراهی نمود. سپس، با همراهی مهمانداران عالی مقام، ایستگاه قطار جیزلا و ایستگاه مترو باغ وحش بوداپست مورد بازدید قرار گرفت. بازدیدی که تماماً به وسیله قطار انجام شد، اما در سفرنامه مبارکه از آن سخنی به میان نیامده است.

مطابق اسناد موجود، تمامی بازدید کنندگان در چهار واگن مستقر شدند: واگن اول رییس پلیس و گارد محافظ، واگن دوم شاه و مقامات بلندپایه ایرانی و مجاری و در واگن سوم و چهارم هم، خدمه قرار داشتند. در ایستگاه جیزلا شاه و دیگران به بازدید از چند موزه و به ویژه موزه تجارت و ارتباطات سرگرم شدند تا هنگام ظهر که مهمانان ایرانی به هتل هونگاریا بازگشتند. در حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، شاه بر آن شد تا در معیت رئیس تشریفات دولت مجارستان به قدم زدن در خیابانهای بوداپست پردازد و ساعت ۵ به هتل باز گردد.

– بوداپست: ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۰

سرانجام موعد رفتن شد و در ساعت ۳۰: ۱۰ صبح پنجشنبه دوم جمادی الاخر ۱۳۱۸ ه.ق، با بدرقه گرم فرمانروای مجارستان و مسئولین بلندپایه مجاری و در میان هیاهوی شعارهای زنده باد شاه اهالی بوداپست، مظفرالدین شاه قاجار مجارستان را به قصد صربستان و مرزهای عثمانی ترک کرد.

نتیجه

در باره علل و نتایج سفرهای خارجی پادشاهان قاجار، که در نوع خود بدیع و بحث برانگیز بوده است، اظهارنظرهای بسیاری صورت گرفته است. اما از یک منظر، همچون سفرهای رجال و دانشجویان ایرانی سده ۱۹ م، این مسافرتها نیز، در آشنائی با مظاهر تمدن و فرهنگ غرب و ظواهر مدرنیته نقش داشته است. سفر چند روزه مظفرالدین شاه قاجار و دولتمردان ایرانی به اروپا، آن هم در

آستانه بحران سیاسی و اقتصادی منتهی به نهضت مشروطه، هر چند هزینه بردار و عشرت طلبانه فرض می‌شد؛ اما باعث تحریک ذوق هنردوستانه بزرگمردان سیاسی و جلب توجه ایشان به بخشی از هنرهای مغفول مانده در ایران سنتی و دین مدار شد. هرچند، پذیرائی مهمانداران فرانسوی یا اتریشی با مراسم فرح بخش و شادی آفرینی چون باله، اپرا، کنسرت و آتش بازی، به مثابه سنت متداول در تشریفات ملتهای هنردوست اروپای مرکزی بود، لیکن مشاهده این آئین های هنرپردازانه در مهد تمدن غرب، مسئولین ایران را بر آن داشت تا به اقتباس از این سنن همت گمارند.

حتی اگر بپذیریم سخن ناقدان خرده بینی را که این گونه تقلید کردنها را سطحی نگرانه و کم ارزش تلقی می‌کنند. باز هم، بروز رسانی هنرهای بصری و نمایش و موسیقی در ایران معاصر، تا حدی متأثر از این اقتباسها و دنباله رویها است. انتقال اجرای موسیقی و نمایش از محیط بسته دربارها به میان کوچه و بازار و تشدید علاقه روزافزون مردم به حضور در سالنهای تئاتر و سینما و به ویژه مشاهده برنامه رقص و آواز از نزدیک، تا حدی زیادی برگرفته از این گرایش و اقتباس بوده است.

بنیاد هنر نمایش در اسطوره ها و شعائر آئینی کهن ایرانی نهفته است و همچون دیگر ملتها که سنتهای هنری خود را تا امروز و در قالب کارناوالها و مراسم سوگمندانه یا شادی آفرین دنبال می‌کنند، ایرانیان نیز، با تداوم بخشیدن به آئینهایی چون: سوگ سیاوش، جشن آب ریزان، گانبارها و... از دوران معاصر با اجرای نمایشهای محلی چونان: میرنوروزی، تعزیه گردانی و پرده خوانی، هنر نمایش را همچنان زنده نگه داشتند. اما هنگامی که فضای فرهنگی ایران از تاثیر مفرط مذهب و سنتگرایی متحجرانه تا حدودی رهایی یافت، با سفر شاهان به دیار فرنگ، زمینه سنت شکنی و رهائی از یکجانبه گرایی و تعصب به دست آمد. افق دید ایرانی بازتر شد و هنرهای نسبتاً محدود شده و ممنوعه با رنگ و لعاب مدرن احیاء شدند.

مظفرالدین شاه قاجار به عنوان یکی از ضعیف النفس ترین شاهان تاریخ معاصر، طی سه سفر به اروپا از نزدیک شاهد ترقی و رشد تمدنی و اعتلای فرهنگی غرب بود. در اتریش به تماشای نوعی از تئاتر و مراسم جنبی آتش بازی و نورپردازی پرداخت که برای شخص وی تدارک دیده شده بود. شگفت زدگی او از توانائی چنین نمایشهای به اصطلاح محیرالقولی، شاید باعث شده تا این شاه کودک صفت و ظاهر بین اندکی در تمایز بین معیارهای توسعه در ایران با اروپا تأمل و تدبری کرده باشد و از همین رهگذر به فکر تغییر اوضاع بر آمده باشد.

پیوست ها: تصاویر اسناد رسمی

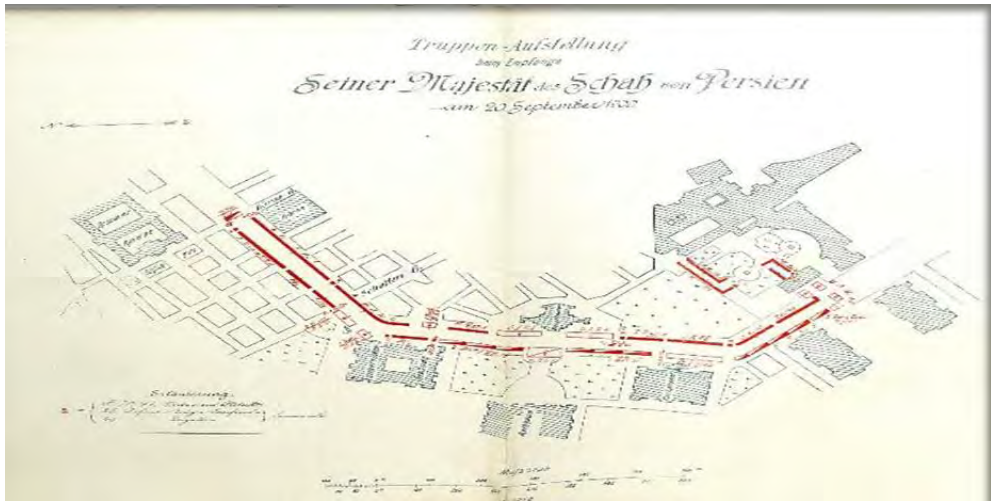
K. k. Österreichische Staatsbahnen.

Sahordnung
für den
Hof-Sonder-Zug
Seiner Majestät des Schah von Persien
von **Marienbad** nach **Wien**
am 20. September 1900.

Stationen	Lage des Aufnahme- Gleises	Verlauf		Abfahrts- zeiten		Bemerkung	
		n	m	n	m		
Marienbad	links	Vormittags		7	30		
Pilsen	links	9	18	5	9	25	
Strakonitz	links	11	17	5	11	21	
Badweis	rechts	12	49	5	12	45	
Neudorf H.	rechts	1	01	50	1	31	Dejener
Gmünd	links	2	27	5	2	42	
Gäpfritz	rechts	3	29	5	3	33	
Wien K. P. S. B.	rechts	5	45	Nachmittags		5 45	

سند شماره ۱ . برنامه قطار مظفرالدین شاه به وین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سند شماره ۲- خطوط قرمز نشان دهنده اسکان سربازان اتریشی برای اجرای سان بوده است



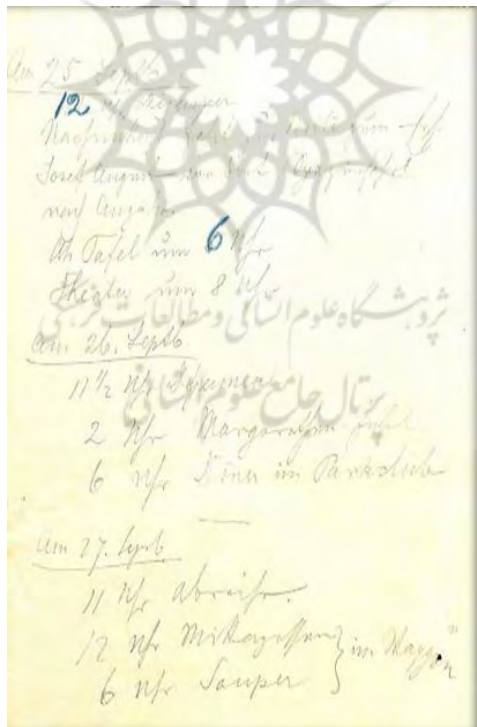
سند ۳- لیست مهمانان شام در قصر گالا

سند ۵- برنامه تدارک دیده شده برای حضور شاه ایران در تئاتر پاره ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۰



سند ۶- برنامه دقیق مراسم آتش بازی در کاخ شمرون: ۲۳ سپتامبر

سند ۷- برنامه سفر قطار شاه



سند ۸- برنامه دستنویس دیدار شاه از بوداپست

پی نوشت ها

- ^۱ ناصرالدین شاه (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات، در سفر اول فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: کتابخانه ملی و مرکز اسناد، ص. ۱۳۰.
- ^۲ سیاح، محمدعلی (۱۳۶۳). سفرنامه حاج سیاح، تصحیح علی دهباشی، تهران: ناشر، ص. ۱۶۶.
- ^۳ ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۱۷.
- ^۴ رایت، دنیس (۱۳۶۸). ایرانیان در میان انگلیسی ها، ترجمه کریم امامی، تهران: نی، چاپ دوم، ص. ۲۶۲.
- ^۵ میلانی، عباس (۱۳۸۲). تجدد و تجددستیزی در ایران، تهران: اختران، چاپ هفتم، ص. ۱۲۸.
- ^۶ بیضایی، بهرام (۱۳۷۹). نمایش در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم، ص. ۱۷۵.
- ^۷ آژند، یعقوب (۱۳۷۲). نمایشنامه نویسی در ایران، تهران: نی، ص. ۲۱.
- ^۸ تیموری، ابراهیم (۱۳۶۳). عصر بیخبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال، چاپ سوم، ص. ۳۷۹.
- ^۹ رایت، دنیس (۱۳۶۸). ایرانیان در میان انگلیسی ها، ترجمه کریم امامی، تهران: نی، چاپ دوم، ص. ۳۲۷.
- ^{۱۰} ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۴۶). تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، بکوشش سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ، ص. ۱۳۰.
- ^{۱۱} کاشانی، مهدی (۱۳۶۱). سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ، تهران: زوار، مقدمه.
- ^{۱۲} صفائی، ابراهیم (۱۳۶۳). رهبران مشروطه، ج ۱، تهران: جاویدان، چاپ سوم، ص. ۳۷۰.
- ^{۱۳} نصیری مقدم، محمدنادر (۱۳۹۰). سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ، تهران: مرکز اسناد مجلس، ص. ۱۹.
- ^{۱۴} رایت، دنیس (۱۳۶۸). ایرانیان در میان انگلیسی ها، ترجمه کریم امامی، تهران: نی، چاپ دوم، ص. ۳۳۲.
- ^{۱۵} مظفرالدین شاه (۱۳۲۱ق) سفرنامه مبارکه شاهنشاهی، بمبئی، مطبعه مصطفایی، ص. ۲۰۵.
- ^{۱۶} ملک پور، جمشید (۱۳۶۳). ادبیات نمایشی در ایران، ج ۲، دوران انقلاب مشروطه، تهران: توس، ص. ۲۰۶.
- ^{۱۷} ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۳۷۴.
- ^{۱۸} مظفرالدین شاه (۱۳۲۱ق). سفرنامه مبارکه شاهنشاهی، بمبئی، مطبعه مصطفایی.
- ^{۱۹} کوریلن (۱۳۵۰). "بدایع وقایع نخستین سفر مظفرالدین شاه به اروپا"، مجله وحید، سال ۱۰، شماره ۷، صص ۱۲۳۹-۱۲۵۴.
- ^{۲۰} مظفرالدین شاه (۱۳۲۱ق). سفرنامه مبارکه شاهنشاهی، بمبئی، مطبعه مصطفایی، ص. ۲۰۶.